

رخداد

قتل زن ۴۰ ساله با انگیزه سرقت

■ **فارس:** قاتل زن ۴۰ساله در کمتر از ۴۸ ساعت دستگیر شد. فرمانده انتظامی شهرستان پارس آباد اظهار داشت: در پی اطلاع از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر رخداد قتلی در یکی از محلات شهر اصلاندوز، مأموران پلیس بلافاصله در سر صحنه حاضر شدند و اقدامات خود را آغاز کردند. علی درویشی خاطرنشان کرد: پلیس با حضور در صحنه قتل یک زن ۴۰ساله بر اثر اصابت متعدد چاقو در منزل مسکونی، تحقیقات خود را برای دستگیری قاتل آغاز کردند. وی گفت: اقدامات اولیه را بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی آغاز کردیم و در کمتر از ۴۸ساعت موفق به شناسایی هویت قاتل و دستگیری او شدیم. فرمانده انتظامی شهرستان پارس‌آباد در ادامه گفت: پلیس بعد از تحقیقات اولیه متوجه شد جوان ۳۴ساله، ساکن یکی از روستاهای اصلاندوز با این خانواده در رفت و آمد بود و با انگیزه سرقت وارد منزل شد و در زن ۴۰ساله را با ضربات پی‌درپی چاقو به قتل رساند. درویشی در پایان گفت: در نهایت با تلاش شبانه‌روزی پلیس توانستیم قاتل را در یکی از محلات شهر اصلاندوز شناسایی و دستگیر کنیم و متهم در تحقیقات اولیه خود به قتل اعتراف کرد.

بهبودی کودک سه‌ساله بعد از تحمل ۱۴ضربه چاقو

■ **باشگاه خبرنگاران:** وضعیت عمومی پوریا، پسر سه‌ساله‌ای که توسط پدرش مورد ضرب چاقو قرار گرفته بود، خوب است و امروز از بیمارستان مرخص خواهد شد. هفته گذشته پسرپهچای سه‌ساله به نام پوریا در اثر محرومیت با ۱۴ضربه چاقو به مرکز طبی کودکان تهران انتقال داده شد. پدر پوریا بعد از مصرف شیشه، همسر خود را مورد ضرب و جرح قرار داده و بعد از قتل پدر خود، قصد کشتن پسرش را نیز داشت که با کمک همسایگان، پوریا جان سالم به در برد. حال پوریا بهبود یافته و وی از آی‌سی‌یو به بخش جراحی منتقل شده و امروز از بیمارستان مرخص خواهد شد.

تخم‌مرغ به جای تفنگ

■ **ایسنا:**رییس پلیس آگاهی تهران طی هشداری به شهروندان درباره یکی از شگردهای سارقان گفت «تخم‌مرغ‌زنی» یکی از شیوه‌های قدیمی سارقان برای ارتکاب عمل مجرمانه است. سرهنگ عباسعلی محمدیان در تشریح این شیوه گفت: سارقان با استفاده از روش «ژانژی» مالباختگان را در بانک‌ها، صرافی‌ها، طلافروشی و… شناسایی می‌کنند سپس با استفاده از تخم‌مرغ، گوجه‌فرنگی و… ضربه‌ای به لباس یا کیف مالباخته می‌زنند و هنگامی که مالباخته به تمیز کردن لباس خود اقدام می‌کند، سارقان از این فرصت استفاده و کیف یا کت حامل وجه نقد وی را می‌ربایند.

سرقت با آبیوه مسموم

■ **ایسنا:**فرد سابقه‌داری که با معرفی خود به‌عنوان مسافر اقدام به سرقت از رانندگان کرده بود، دستگیر شد. در پی اعلام گزارش مردمی مبنی بر خوراندن آبیوه مسموم توسط مسافری به رانندگان مسافربو، مأموران پلیس رشت موضوع را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند. واحدهای عملیات در بررسی‌های خود در سطح شهر به یک دستگاه خودرو پژو آردی با دو سرزنشین که راننده‌اش از حالت طبیعی برخوردار نبود، مشکوک شدند و نسبت به توقف این خودرو اقدام کردند و واحد مبارزه با سرقت کلاتری پس از اطمینان از تناقض گویی راننده، وی را برای تحقیقات بیشتر به پلیس آگاهی معرفی کرد. کار آگاهان پس از بررسی سوابق این فرد و اطمینان از وجود هفت فقره سابقه کیفری در پرونده وی تحقیقات خود را تشدید و تعدادی از شکات را برای انجام مواجهه حضوری به پلیس آگاهی دعوت کردند. سرانجام متهم لب به اعتراف گشود و به چهار فقره سرقت به عنف از طریق بی‌هوش کردن رانندگان با آبیومه‌های حاوی قرص خواب‌آور قوی اعتراف کرد.

جعل عنوان پلیس شگرد سارق حرفه‌ای

■ **شرق:** فرمانده یگان انتظامی مترو پایتخت از دستگیری فردی خبر داد که در لوای مامور پلیس قصد زورگیری و سرقت از مسافران ایستگاه مترو صادقیه را داشت. سرهنگ مجتبی فخاری گفت: ماموران یگان انتظامی مترو مستقر در ایستگاه صادقیه روز یکشنبه به فردی که در لباس مامور حرکات مشکوک داشت، مظنون شدند و مشاهده کردند، متهم دایما با زیر نظر قرار دادن مسافران و تهدید برخی از آنها، قصد اخاذی دارد. فرمانده یگان انتظامی مترو ادامه داد: متهم که به محض مشاهده پلیس قصد فرار داشت به طور ضربتی دستگیر شد. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه در بازرسی بدنی از متهم تعدادی تجهیزات پلیسی کشف و ضبط شد، این‌ها داشت: متهم ضمن انتقال به ایستگاه پلیس مستقر در صادقیه ضمن بازجویی‌های به‌عمل آمده گفت، تاکنون به این شیوه از چندین مسافر اخاذی کرده است. سرهنگ فخاری با توجه به‌به فرار متهم از تحویل وی به مراجع قضایی خبر داد و گفت: تلاش برای کشف سایر جرایم احتمالی متهم و مالباختگان ادامه دارد.

شرق: مرد میانسال وقتی از ازدواج با دختر مورد علاقه‌اش ناامید شد، در جلسه خواستگاری روی صورت او اسید پاشید. متهم که در دو ماه گذشته فراری بود، بعد از دستگیری به جرمش اقرار کرد. به گزارش خبرنگار ما، ماموران کلاتری خزانه ساعت ۲۳روژ ۱۱ مهر از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اطلاع پیدا کردند دختر جوانی که مورد اسیدپاشی قرار گرفته به بیمارستان فارابی انتقال پیدا کرده است. ماموران وقتی به بیمارستان رفتند در شرایطی که خوداین دختر به نام «مریم» نمی‌توانست صحبت کند، پدر و مادر او را تحت بازجویی قرار دادند و آنها گفتند خواستگار دخترشان پس از شنیدن پاسخ منفی و به قصد انتقام‌گیری، اقدام به اسیدپاشی کرده است. کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی با تشکیل پرونده مقدماتی و به‌دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای ناحیه ۱۶ تهران، مسوول تحقیق در این رابطه شدند و ابتدا دختر ۲۳ ساله به پزشکی قانونی منتقل شد تا میزان صدمات وارده بر وی مشخص شود.متخصص بعد از انجام معاینه‌های لازم در نظریه خود نوشتند: «مصدوم از ناحیه سمت راست صورت، لب‌ها، قفسه سینه و سمت چپ گردن دچار سوختگی ناشی از اسیدپاشی شده است.»

پس از آن پدر و مادر دختر مصدوم در شکایت خود به کارآگاهان گفتند: «احمد خواستگار دخترمان بود، اما چون فرد بیکاری است و همچنین از لحاظ سنی نیز بسیار بزرگتر از دخترمان است و حدود ۴۰ سال دارد، هم ما و هم دخترمان به او جواب منفی دادیم اما او قلع نشد.» «مریم» نیز درباره شب حادثه به کارآگاهان گفت: «احمد با وجود آنکه پیش از زمان خواستگاری نیز جواب

منفی را از سوی خانواده‌ام شنیده بود، به بهانه اینکه باید مستقیم جواب را از خودم و در زمان خواستگاری بشنود، به همراه خواهرش و تحت عنوان خواستگاری به خانه ما آمد. او بیکار است و ما از لحاظ خانوادگی هیچ تناسبی با هم نداریم به همین علت هم خودم و هم خانواده‌ام مخالف این ازدواج بودیم. احمد در روز خواستگاری بعد از شنیدن دوباره پاسخ منفی، بدون اینکه متوجه شوم ظرف اسیدی را از جیب خود در آورد و روی صورتم پاشید که از ناحیه صورت، بدن و شانه راست دچار سوختگی شدم. در آن لحظات متوجه چیزی نبودم و از شدت درد و سوزش فریاد می‌کشیدم. احمد هم بعد از این اتفاق به سرعت از خانه‌مان فرار کرد.»



شاتی و متهم در پلیس آگاهی، عکس شرق

کارآگاهان با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده فهمیدند خانواده دختر جوان پیش از این در منطقه خزانه در همسایگی خانواده متهم زندگی می‌کردند و حتی رفت‌وآمد خانوادگی نیز با یکدیگر داشتند. افسران پلیس آگاهی وقتی از چگونگی واقعه مطلع شدند، برای دستگیری احمد به خانه‌اش رفتند و فهمیدند این مرد ۴۰ساله از زمان وقوع حادثه فراری شده است. تحقیقات برای شناسایی و دستگیری متهم در شرایطی در دستور کار پلیس آگاهی قرار داشت که کارآگاهان از طریق خانواده دختر جوان اطلاع پیدا کردند متهم متواری، پیش از اقدام به اسیدپاشی نیز مریم را تهدید کرده بود. در ادامه تحقیقات در شرایطی که متهم به صورت

مربی بدنسازی، قربانی رابطه با زن متاهل

به دنیا آمد و یک سال بعد هم پسرم نیما به دنیا آمد و به خاطر این دو بچه، سا همدیگر را تحمل می‌کردیم ۱۰ سال گذشت در حالی‌که نمی‌خواستیم بچهار شویم صاحب یک پسر دیگر شدیم به هر حال، وجود سه بچه هم نتوانست کاری کند که ما بتوانیم با هم خوب باشیم و زندگی آرامی داشته‌باشیم تا اینکه یک سال پیش، بعد از درگیری‌هایی که با شوهرم داشتیم برای جدایی تصمیم نهایی را گرفتیم و با مربی بدنسازی پسرم آشنا شدم. آرش، مرد جوان و خوبی بود. او خیلی مهربان بود و با رفتارهایش توانست نیما را خیلی به خودش نزدیک کند. به نیما همیشه دوست داشتم پدری مهربان داشته باشم و هرکس که به او کمی محبت می‌کرد جای پدرش را در دل او می‌گرفت. آرش هم نسبت به نیما همین حس را داشت، آنها رابطه خیلی خوبی با هم داشتند کم‌کم من هم با آرش آشنا شدم و رابطه ما خیلی جدی شد وقتی شوهرم نبود آرش به خانه ما می‌آمد، آن شب هم چون امر شب کار بود من به نیما گفتم آرش را برای شام به خانه دعوت کن ما با هم بودیم که شوهرم سر رسید. او در مورد اینکه رابطه‌ای هم با آرش داشته است یا نه

همکارم خواستم نیم‌ساعت جای من باشد تا به پمپ گاز بروم. دلشوره عجیبی داشتم و فکر می‌کردم در خانه‌ام اتفاقی افتاده‌است. خیلی حالم بدبود. تصمیم گرفتم به خانه بروم و سری به خانواده‌ام بزنم. وقتی رسیدم، دیدم پسر بزرگ نیمه خیلی مضطرب است و بریدم‌دیرد حرف می‌زند چیزی به من نگفت، وارد خانه که شدم زنم سرم داد زد که این چه وقت خانه آمدن است.

متهم ادامه داد: شک کردم و فهمیدم اتفاقی افتاده‌است. من یک دختر و پسر دیگر هم دارم که زنم گفت آنها خواب هستند. متوجه شدم چراغ حمام روشن است. در حمام را باز کردم و دیدم مردی غریبه در حال پوشیدن لباس‌هایش است. قوری به آشپزخانه رفتم و یک چاقو برداشتم و چند ضربه به آن مرد زدم. بعد زنم را به باد کتک گرفتم. من اصلا آن مرد را نمی‌شناختم و نمی‌دانستم چرا به خانه‌ام آمده است.

به دستور بازپرس، ژاله همسر امیر هم بازجویی شد. او گفت: شوهرم مرد بداخلاقی بود و ما از همان ابتدا که با هم ازدواج کردیم، اختلاف داشتیم. اما مشکل این بود که هنوز یک سال از ازدواج‌مان نگذشته بود که دخترمان

قتل زن مطلقه توسط جوان شکاک

متهم ساعاتی قبل از قتل، ماده مخدر شیشه مصرف کرده بود

و همسایه‌های مریم- ادامه دادند و متوجه شدند پسر جوانی به نام «بهرام» در خانه مقتول رفت‌وآمد داشت در حالی که پلیس احتمال می‌داد بهرام اطلاعات مفیدی در اختیار نداشته باشد، شناسایی محل سکونت وی در دستور کار قرار گرفت و مأموران توانستند این مرحله را با موفقیت پشت سر بگذارند، اما وقتی به خانه بهرام رفتند، مطلع شدند او از روز قتل به منزل نرفته و به مکان نامعلومی گریخته است. فرار بهرام افسران جنایی را به این نتیجه رساند که وی عامل قتل مریم است. به همین سبب، ردیابی‌های گسترده‌ای برای یافتن وی آغاز شد تا اینکه این جوان بعد از ۴۰ روز به دام افتاد. او در ابتدا منکر قتل بود اما در بازجویی‌های تکمیلی به کشتن زن مورد علاقه‌اش اقرار کرد و گفت: «آشنایی من و مریم اتفاقی بود و از آن به بعد من برای کمک به مریم و انجام دادن کارهایش به خانه او می‌رفتم، اما مدتی بود به رفتارهای او ظنین شده بودم و

متهم در حال بازجویی

و مشکل خاصی هم نداشتم. او هر روز با ما در تماس بود و از اوضاع و احوال خودش خبر می‌داد ولی امروز- روز حادثه- تلفن نزد ما که نگران شده بودیم چند بار با تلفن خانه و موبایل مریم تماس گرفتیم و وقتی او جواب نداد، مطمئن شدیم اتفاق تلخی رخ داده است برای همین خودمان را به اینجا رساندیم. ما کلید یک خانه را داشتیم و چون مریم در را باز نکرد، خودمان ایسن کار را انجام دادیم و داخل رفتم و با جسد او مواجه شدیم. در زمان حضور ما در خانه شخص دیگری اینجا نبود و ما به مورد مشکوکی برخوردردیم.» کارآگاهان بعداز به‌دست‌آوردن این اطلاعات به تحقیقات خود از طریق گفت‌وگو با دوستان

پنج قاره

را کشت. این حادثه عمر رز شنبه در ایالت هوانا اتفاق افتاد. به گفته مقامات چینی، جسد تمامی کارگران از میان آوار بیرون آورده شده است. همچنین در یک سالخه دیگر که در کارخانه‌ای در استان مجرم در ۲۳ کارگر بر اثر انفجار راهی بیمارستان شدند. پلیس چین در حال بررسی علت وقوع این دو سانحه است.

دستگیری عامل جنایت در آسانسور

آسوشیتدپرس: پلیس ایالت نیویورک آمریکا: دستگیری مردی خبر داد که زنی را آسانسور به آتش کشیده بود. مظنون این حادثه به پلیس گفت: از آنجایی که این زن مبلغ نوهزار دلار به من بدهکار بود دست به این کار زدم. بنابر اعلام پلیس نیویورک، متهم وقتی از گرفتن بدهی‌اش ناامید شد به آپارتمان او رفت، وی را داخل آسانسور به دام انداخت و با ریختن موادشیمیایی آتش‌زا روی بدنش او را

انفجار معدن زغال‌سنگ

شینهوآ: انفجار گاز در یکی از معادن مرکزی چین ۹ کارگر

حوادث

اسیدپاشی در مراسم خواستگاری

مرد ۴۰ ساله قصد داشت از دختر ۲۳ ساله انتقام بگیرد

مداوم محل اقامتش را تغییر می‌داد و حتی طی چندین سفر از تهران خارج شده و مدتی را در شهرستان‌های مرکزی کشور گذرانده بود، آخرین مخفیگاه متهم در منطقه خزانه و در منزل خواهرش مورد شناسایی قرار گرفت و کار آگاهان ساعت شش روز یکشنبه هفته جاری با ورود به مخفیگاه متهم، وی را دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل کردند.احمد در همان ابتدای تحقیقات به جرمش اعتراف کرد و سپس از مریم دعوت شد تا به پلیس آگاهی مراجعه کند.این دختر وقتی متهم را دید به کارآگاهان گفت: این مرد زمانی‌که اطلاع پیدا کرد پاسخ من و خانواده‌ام به درخواست ازدواج او منفی است بارها من، خانواده و حتی بستگانم را تهدید کرد و می‌گفت مرا خواهد کشت. حتی یکبار هم گفت نخواهد گذاشت من و خانواده‌ام زندگی آرامی داشته باشیم.

متهم نیز در پاسخ به سوال کارآگاهان درخصوص علت و انگیزه‌اش درباره اسیدپاشی گفت: «از حدود پنج سال پیش به مریم علاقه‌مند شده بودم. من آن زمان به مصرف موادمخدر اعتیاد داشتم، اما برای اینکه بتوانم با مریم ازدواج کنم حدود دو سال قبل موادمخدر را ترک کردم. من می‌خواستم هر کاری را که لازم است انجام بدهم تا بتوانم به هدفم برسم. اما مریم و خانواده‌اش به من جواب رد می‌دادند. می‌خوام‌ستم به هر شکلی مریم مال من شود. اما وقتی دیدم خواهرش و صحبت فایده‌ای ندارد، تصمیم به تهدید گرفتم ولی این کار هم نتیجه‌ای نداشت و بالاخره به فکر انتقام‌گیری افتادم.»بنابر این گزارش، احمد اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او همچنان ادامه دارد.

متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او همچنان ادامه دارد.

گفت: آن شب هیچ رابطه‌ای با آرش نداشتم اما قبل از آن چند بار به لیج شوهرم با او رابطه برقرار کردم. ادعای این زن از سوی فرزندانش هم تأیید شد. آنها گفتند پدرشان آدم بداخلاقی است و مادرشان را خیلی اذیت می‌کرد. نیما به پلیس گفت: روز حادثه پدرم حالت عادی نداشت مثل دیوانه‌ها شده‌بود او آرش را با چاقو زد و اُتفرد سریع این کار را کرد که ما نتوانستیم جلو او را بگیریم. بعد به سسرآغ مادرم رفت و مادر ما تالی او را می‌توانست کتک زد او همیشه مادرم را کتک می‌زد. سر چیزهای کوچک بهانه می‌گرفت و او را می‌زد. به جز مادرم ما هم از دست کارهای پدرم خسته شده‌بودیم و راضی بودیم آنها از هم جدا شوند.

با توجه به گفته‌های متهم و شاهدان صحنه قتل بازسازی و بعد از صدور قرار مجرمیت از سوی بازپرس کیفرخواست علیه متهم صادر شد. این در حالی‌است که خانواده آرش هم برای متهم درخواست قصاص کرده‌اند. همچنین پرونده رابطه نامشروع ژاله با آرش هم برای رسیدگی به همراه پرونده قتل به دست امیر برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان البرز فرستاده شده است. متهم بازودی در دادگاه کیفری استان البرز و در حضور پنج قاضی محاکمه می‌شوند.

حسد می‌زدم با فردی رابطه دارد. این فکر خیلی من را آزار می‌داد و نمی‌توانستم چنین موضوعی را تحمل کنم. روز حادثه بعد از اینکه ماده مخدر شیشه مصرف کردم به خانه او رفتم تا در این باره با مریم صحبت کنم. در آنجا باز هم رفتارهای مشکوکی دیدم و تقریباً مطمئن شدم حدمس درباره این زن درست است برای همین در حالی‌که نمی‌توانستم خودم را کنترل کنم به سمتش حمله کردم و دستام را دور گلویش فشار دادم تا او را خفه کنم ولی مریم خیلی مقاومت می‌کرد و نتوانستم او را یکشم این بار به آشپزخانه رفتم، چاقویی برداشتم و با آن چند ضربه به او زدم و بعد از مرگ وی فرار کردم»

بنابر این گزارش، متهم به قتل اکنون در بازداشت به سر می‌برد و به زودی صحنه قتل را بازسازی خواهد کرد. در همین حال، سرهنگ مهدی یارذنی، معاون اجتماعی فرمانده انتظامی استان البرز گفت: «متأسفانه مصرف ماده مخدر شیشه موجب تشدید سوءظن در مرد معتاد شده و همچنین بررسی اعتراف‌های این متهم نیز نشان می‌دهد. مقتول هیچ رفتار غیر معقول و شک‌برانگیزی از خود بروز نداده و قاتل تحت‌تاثیر توهمات ذهنی دست به جنایت زده است.»

او افزود: «سوءمصرف طولانی مدت شیشه فرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که به آن سایکوز ناشی از اعتیادمین یا به عبارتی، جنون ناشی از شیشه می‌گویند و در این شرایط بدبینی به سراع فرد می‌رود و پارانوید می‌شود و تحت‌تاثیر این توهمات مرتکب جنایت‌های هولناک شده است و پس از دستگیری ابراز پشیمانی می‌کند.»

۱۵ کشته در واژگونی اتوبوس

فرانس‌پرس: واژگونی اتوبوس در یک جاده کوهستانی در غرب نیال به کشته‌شدن ۱۵ نفر انجامید. راننده این اتوبوس که با سرعت زیاد در حال رانندگی بود، شامگاه شنبه در ۷۰۰ کیلومتری شهر «کاتماندو» به دلیل مه‌آلود بودن هوا کنترل خودرو را از دست داد و حادثه‌ساز شد. این خودرو پس از واژگونی به داخل دره سقوط کرد و ۱۵ سرنشین آن کشته و شش سرنشین دیگر نیز برای معالجه به بیمارستان منتقل شدند.

نگاه

حسن مالکیت و اسیدپاشی

مریم ر امشت

روان‌شناس و مدرس دانشگاه



■ «می‌خواستم آن دختر مال من باشد» این جمله مردی است که به جرم اسیدپاشی به یک دختر جوان دستگیر شده است و نشان می‌دهد متهم نسبت به قربانی، به نوعی احساس مالکیت داشته و دارد.

احساس مالکیت در همه افراد جامعه وجود دارد و همه می‌خواهند چیزی‌ها با کسانی را داشته باشند که به لحاظ عاطفی به آن فرد یا چیز وابستگی دارند اما زمانی این حس به یک بحران و بیماری تبدیل می‌شود که فرد به آن شخص یا چیز نمی‌رسد و تلاش خودش را برای نبود کردن آن آغاز می‌کند. این رفتار یک نوع لجبازی است، حال آنکه در بحث ازدواج و انتخاب نباید به هیچ‌وجه جبر و لجبازی داشته باشیم. اما این حس در جوانان پرورش پیدا کرده که اگر چیزی متعلق به من نیست به دیگری هم نباید تعلق داشته باشد و آن چیز را باید حذف کرد. این حس ناشی از آن است که ما در دوران مختلف زندگی چه برخوردهایی را دیده باشیم، چقدر حق انتخاب داشته باشیم و چقدر برای حق انتخاب دیگران احترام قابل شویم. فردی که با لجبازی همیشه چیزی را به دست آورده یا اینکه در دوران کودکی احساس تحقیق‌شدگی شدیدی داشته، در بزرگسالی با مکانیسم دفاعی ناخودآگاه در حال در انحصار آوردن همه‌چیز برای خود است. این حس برای چنین فردی فقط در مورد ازدواج نیست بلکه در همه رفتارهای او نمود دارد. چنین شخصی یاد گرفته است با پرخشگری و لجاجت هر کاری را پیش ببرد. مساله بعدی، محرومیت، نداشتن، به دست نیآوردن و نرسیدن است. برای بعضی‌ها این محرومیت‌ها خیلی ناگوار است و قدرت تحمل آن را ندارند؛ حال آنکه هرچه از بلوغ عاطفی، احساسی و هیجانی بیشتر برخوردار باشیم، در برابر محرومیت درست‌تر و علاقه‌اتر برخورد می‌کنیم. اگر بلوغ و پختگی را نداشته باشیم، محرومیت از دست دادن دل و حس خارج شدن یک چیز از دست، ما را دچار بحران می‌کند و احساس تغییر را قوت می‌بخشد. این درست است که شکست عشقی باعث ناراحتی می‌شود اما فرد سالم به طرف مقابل صدمه نمی‌زند. افرادی که به دیگران آسیب وارد می‌کنند، اختلال شخصیت دارند و این آسیب در طول زندگی بر آنها وارد شده است. آنها دچار پدیده صفر و یک هستند یعنی اگر خودش چیزی را به دست نیآورد، دیگر مهم نیست چه اتفاقی می‌افتد. برای حل این مشکل دو راهکار وجود دارد: اول راهکاری است که خانواده‌ها باید آن را بلدانند و به کار ببرند و دوم راهکار آموزشی است که باید در جامعه استفاده شود. در مورد راهکار اول باید بگویم اولین کسی که متوجه این مشکلات در یک فرد دچار اختلال می‌شود، فردی است که با این بیمار ارتباط دارد. فرد همسر یا مادر و سایر اعضای خانواده بیمار هستند. متأسفانه گاهی زنان این حس مالکیت را دوست دارند و فکر می‌کنند این جایگزینی مرد است درحالی‌که این یک نوع انحصارطلبی و بدبینی است. زنان این رفتار را می‌پسندند و این باعث تقویت چنین رفتاری در مرد می‌شود. اعضای خانواده بهترین کسانی هستند که می‌توانند این آسیب را مدیریت کنند. مادر یا پدری که متوجه این حس مالکیت در فرزندش است، باید بلافاصله برای درمان آن اقدام کند. مساله بعدی همانطور که توضیح داده شد، جامعه است. جامعه ما آموزش لازم را ندارد. ما باید آموزش‌های لازم برای ارتباط با جنس مخالف را به جوانان بدهیم. زبرا آموزش مهارت ارتباطی در مراکز آموزشی ما داده نمی‌شود. متأسفانه به جای اینکه آموزش دهیم، دختران و پسران بطور با هم انسانی برخورد کنند و ارتباط داشته باشند، آنها را کنترل می‌کنیم. این باعث شده جوانان دچار مشکل شدیدی در رابطه با جنس مخالف شوند. اسیدپاشی یا قتل معشوق نتیجه همین آموزش نادرن‌هاست. وقتی چنین حادثه‌ای رخ دهد، متهم می‌دهد بعد آموزش چه آسیبه‌ا و هزینه‌هایی را به جامعه وارد می‌کند. باید به جوانان یاد دهیم افکار و عواطف و رفتار خودشان را مدیریت کنند. این جمله «فراق دست خودم نیست» و «می‌توانم کنترل کنم»، غلط است. نهادهای متولی روان مردم، رسانه‌ها و سایر سازمان‌ها این رابطه نقش پررنگی را دارند، اما متأسفانه تعریف کلی برای روابط زوج‌های جوان در سطح خانواده نداریم. متولی ایجاد ارتباط با جنس مخالف نیست، بلکه مدیریت آن است. جنبه‌های پنهان ارتباط‌های دختران و پسران جوان که ناشی از همین عدم آموزش‌هاست، بسیار خطرناک است که چون دیده نمی‌شود، فکر می‌کنیم وجود ندارد یا مشکلی را ایجاد نمی‌کند. در حالی‌که مثل یک غده سرطانی پنهان در حال رشد است و باعث نابودی یک جامعه می‌شود. ما سعی می‌کنیم، کنترل کنیم در حالی‌که باید آموزش دهیم. نباید جنس‌های مغفل را دور کنیم. باید آموزش دهیم. اگر هم در کنار هم هستند، بطور با هم رفتار کنند و به هم احترام بگذارند و چطور روابطشان را مدیریت کنیم تا از حدود شرعی و عرفی خارج نشوند. منظور تشویق به ارتباط باز نیست. اما باید آگاه بود که زیاده‌روی در کنترل روابط و عدم آموزش باعث ایجاد ولع در فرد می‌شود؛ در این صورت آن جوان با دیدن اولین دختر احساس می‌کند که باید تملک آن شخص را به دست آورد و تا پایان هم آن دختر را در خاتش نگه دارد و مالک آن باشد، چون به خاطر آموزه‌های اجتماعی حق انتخاب برای آن فرد قابل نیست و مخالف او را نوعی درشتی و بی‌احترامی و تحقیر قلمداد می‌کند؛ در صورتی که اگر آموزش لازم داده شود، او می‌تواند عواطف جریحه‌دار شده خود را که به دلیل پاسخ منفی به وجود آمده است، کنترل و مدیریت کند و دوباره به زندگی برگردد.